در تاریخ ۰۲ اسفند ۱۳۸۴
مکاسب محرمه/تلقیح مصنوعی

جلسه 8

بسم الله الرّحمن الرّحيم
الحمدلله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

چكيده‌اي از بحث آيه اول

در جواب اول از استدلال به آيه شريفه «يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ»، عرض كرديم كه اين استدلال روي اين مبنا است كه ما بپذيريم «**حذف المتعلق يدل علي العموم**» كه بگوييم متعلق حفظ در اينجا محذوف است و بايد فروج خود را از هر چيزي حفظ كنند، و يكي از آن چيزها اين است كه نگذارند نطفه اجنبي در رحم آنها قرار بگيرد. عرض كرديم كه اين قاعده اساسي ندارد و **حذف المتعلق يدل علي العموم** از مشهوراتي است كه **لا اصل لها**. در هر موردي بايد ببينيم مناسبت حكم و موضوع چه چيز را اقتضا مي‌كند تا از راه اين قرينه، متعلق محذوف را پيدا كنيم.

جواب دوم از استدلال به آيه

جواب دوم اين است كه آيه شريفه كه مي‌گويد «يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» به قرينه سياق، كه قبل از آن مي‌گويد: «قُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» مقصود **حفظ الفرج من الغير** است، يعني در رابطه با غير بايد حفظ الفرج كنند و اين حفظ، نسبت به نگاه غير و مقاربت نامشروع غير عموميت دارد، و نبايد بگذارند كه غير نسبت به اين فروج دسترسي پيدا كنند.

اما آنجايي كه خود زن كاري را انجام دهد مثلاً فرض كنيد كه اگر خودش بخواهد نطفه‌اي را در فرج قرار دهد، آيه شامل اين نمي‌شود، «يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» ظهور دارد در حفظ فرج من الغير. ما بحث مي‌كنيم كه آيا نطفه اجنبي را مي‌توان در رحم اجنبيه قرار داد؟ يک مصداقش اين است كه ديگران با ابزار اين كار را انجام دهند، اما يک مصداقش اين است كه زن بدون اينكه نامحرمي باشد خودش اين كار را انجام دهد، كه اين آيه شامل اين صورت نمي‌شود.

جواب سوم

جواب سوم: ما در ذيل اين آيه شريفه يک رواياتي داريم كه دلالت بر اين دارد كه در هر آيه‌اي در قرآن كلمه فرج آمده، مقصود زنا است إلا اين آيه كه مقصود نگاه است. «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ*قُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» مقصود از فرج در اين آيه نگاه به فرج است و «يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» يعني نگاه ديگران به اين فرج.

روايات مفسّر آيه

اين روايات در چهار كتاب آمده است، روايت اول: مرحوم صدوق در من لا يحضره الفقيه نقل كرده است «**قال سئل الصادق(ع) عن قول الله عز و جل قل للمومنين...**، فقال كل ما كان في كتاب الله تعالي من ذكر حفظ الفرج فهو من الزنا فانه للحفظ من عن ينظر اليه» كه مراد از حفظ الفرج اين است كه زن كاري كند كه ديگري به فرج او نگاه نكند. اين روايت مرسله است. ما عرض كرديم كه برخي علماء مثل شيخ بهائي و فاضل سبزواري در ذخيرة المعاد، و حتي مرحوم شيخ بهائي در كتاب الحبل المتين، به جماعتي از اصوليين نسبت مي‌دهد كه گفته اند تمام مرسلات صدوق حجيت دارد. عرض كرديم خود شيخ بهائي طبق احصائي كه كرده، من لا يحضره الفقيه 5600 يا 5900 روايت دارد كه بيش از يک سوم آن مرسله است.

ما نمي‌توانيم مرسلات صدوق را كنار بگذاريم، و ادله اينهايي كه گفته اند مرسلات صدوق اعتبار ندارد مناقشه دارد. و نتيجه‌اي كه در آنجا گرفتيم اين شد كه مرسلات صدوق كه به صورت **قال** و قطعي مي‌گويد كه امام صادق اين را فرموده، حجيت دارد، اين روايت هم همين طور است. حضرت فرموده «**كل ما كان في كتاب الله تعالي**»؛ اينجا اولا بعضي گفته اند ممكن است ادعا كنيم كه اين آيه شريفه انصراف به زنا دارد «قُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» حفظ الفرج به اين است كه ديگري به فرج او تجاوز نكند و زنا نكند، بعد در اين مشكله واقع مي‌شوند كه اگر در حفظ الفرج، زنا مراد است، زنا قرينه و منشا مي‌خواهد و دليلي پيدا نمي‌كنند.

برخي و كثيري از مفسرين اهل سنت گفته اند اين «**يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ**» يک عموم موسعي دارد، آيه هر چيزي را كه با حفظ الفرج منافات دارد رد مي‌كند و به اين روايات توجهي نشده. در بين تفاسير شيعه نيز در بعضي از تفاسير به اين روايات توجهي نشده. اما اگر ما اثبات كرديم كه اين روايات معتبر است چاره‌اي نداريم كه آن را اخذ كنيم، و در اينها به نحو قاعده كلي فرموده اند هر چه كه در قرآن به عنوان حفظ الفرج است ـ كه بعدا مي‌خوانيم آيه 2، سوره مؤمنون است «**وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ**»، ـ مقصود زنا است الا اين آيه ـ31 سوره نور ـ كه مقصود نگاه است.

روايت دوّم

روايت دوم را كليني در كتاب كافي نقل كرده است به اسناد خودش «**عن ابي عمرو الزبيري عن ابي عبدالله(ع) في حديث يذكر فيه ما فرض الله علي الجوارح قال**»، آنچه كه خداوند بر جوارح انسان واجب كرده، «**و فرض علي البصر أن لا ينظر الي ما حرم الله عليه**»، خدا بر چشم واجب كرده كه به محرمات نگاه نكند، و أن يعرض عن ما نهي الله عنه مما لا يحل له و هو عمله و هو من الايمان، تا مي‌رسد به اين عبارت، «**كل شيء في القرآن من حفظ الفرج فهو من الزنا الاّ هذه الآية يعني** قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ و قُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» اينجا مقصود، نظر و نگاه است.

روايت سوم

روايت ديگر كه معتبره ابو بصير است «**في تفسير علي بن ابراهيم عن ابي عبدالله(ع) كل آيه في القرآن من ذكر الفرج فهو الزنا الا هذه الآية**» كه مقصود نظر است. البته راجع به تفسير علي بن ابراهيم قمي بحث وجود دارد خود رجالي كه در سند تفسير علي بن ابراهيم است اشكالي ندارند، آنهايي كه اين تفسير را نقل كرده اند اشكالي ندارند، اما معروف است كه اين كتاب را برخي شاگردانش جمع كرده اند كه در كتب رجالي اسمي از آنها نيست.

بررسي سه روايت

روايت كليني در كافي، بكر بن صالح رازي است كه ضعيف است. اگر ما طبق آنچه كه در نقد تفسير علي بن ابراهيم آمده، بگوييم كه چه كسي جمع آوري كرده و بخواهيم مناقشه كنيم و در سند كافي هم بخاطر بكر بن صالح رازي مناقشه كنيم، اما روايت من لا يحضر مشكلي ندارد و براي ما كافي است. و نتيجه اين مي‌شود كه در آيه «**يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ**» مراد، نظر است بر طبق اين روايتي كه خوانديم.

اگر پذيرفتيم كه آيه شريفه «**يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ**» مربوط به نظر است، براي ما روشن است كه به اولويت قطعيه زنا را هم شامل مي‌شود، يعني اگر خداوند امر مي‌كند كه مومنات بايد از نگاه غير، حفظ الفرج كنند قطعاً زنا را هم به اولويت قطعيه شامل مي‌شود. پس اولويت قطعيه در مورد لمس و زنا مسلم است، امّا آيا مي‌توانيم بگوييم ما نحن فيه هم كه جعل نطفه غير در رحم است، به اولويت قطعيه حرام است؟ نمي‌توان چنين چيزي را استنباط كرد. نمي‌توانيم بگوييم اگر زن نطفه غير را در رحم خود قرار داد اين به اولويت قطعيه حرام مي‌شود.

نتيجه بررسي آيه اول

نتيجه اين شد كه اين آيه اولي نمي‌تواند دلالت بر مدعي داشته باشد، و ما سه جواب در مورد آيه داديم؛ يک: اينكه گفتيم **حذف المتعلق يدل علي العموم** باطل است و دليلي بر اين قاعده نداريم. دوم: گفتيم اصلا آيه مربوط به حفظ الفرج من الغير است و ربطي به اين مدعيٰ و ما نحن فيه ندارد. و سوم: گفتيم كه اگر ما باشيم و رواياتي كه در ذيل آيه آمده، استفاده مي‌شود كه مراد از حفظ الفرج، مراد نظر و نگاه است. و گفتيم اگر مراد نظر باشد، لمس و مقاربت را به دلالت اولويت قطعيه و مفهوم موافقت مي‌فهميم، اما شامل مدعي نمي‌شود.

آيه دوم

آيه دوم: آيه 5 سوره مؤمنون است «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ* إِلاَّ عَلى أَزْواجِهِمْ أَوْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومينَ* فَمَنِ ابْتَغي وَراءَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ العادُونَ». به صدر و ذيل اين آيه شريفه هم بر حرمت اين عمل استدلال كرده اند. مدعي اين است كه آيا مي‌توان نطفه اجنبي را در رحم اجنبيه قرار داد يا نه؟